

بررسی نقش باز بودن اقتصاد در ایران بر بهبود زندگی فقرا

مونا تاسان^{۱*}، خسرو پیرایی^۲، مسعود نونزاد^۳ و عباس عبدشاهی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۵

چکیده

کاهش فقر از مهم‌ترین اهداف سیاست‌هایی است که به وسیله دولت‌ها دنبال می‌شود. ضمن آن‌که رشد اقتصادی و باور جدی به رشد همراه با عدالت نیز همواره مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. مفهوم رشد به نفع فقیر، بر ارتباط متقابل بین سه عنصر رشد، فقر و نابرابری تمرکز می‌کند. از سوی دیگر، رشد به نفع فقیر از عوامل متعددی از جمله سیاست‌های کلان اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. هدف این مقاله، بررسی اثر بازبودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر در دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۸۲ است. بدین منظور با استفاده از داده‌های سری زمانی و بکارگیری روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی به تخمین رابطه مورد نظر پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهند که بازبودن اقتصاد به واسطه ورود فناوری، افزایش بهره‌وری، تخصیص کارا تر منابع و ترویج نوآوری منجر به بهبود وضعیت فقرا شده است. لذا، پیشنهاد می‌شود دولت سیاست برداشتن موانع تجارت آزاد و نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی را پیگیری کند. اگر چه لازمه موفقیت در این زمینه، ایجاد زیرساخت‌ها و نهادهای متناسب است. برای مثال، می‌توان به افزایش حمایت‌های اجتماعی برای اقشاری که ممکن است در اثر آزادسازی در کوتاه‌مدت متضرر شوند و همچنین، تعیین و تقویت مزیت‌های نسبی کشور در زمینه‌های گوناگون، اشاره کرد.

طبقه‌بندی JEL: E51, P46 و I38

واژه‌های کلیدی: رشد به نفع فقیر، بازبودن اقتصاد، روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

^۲ - دانشیار، گروه اقتصاد، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

^۳ - دانشیار، گروه اقتصاد، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

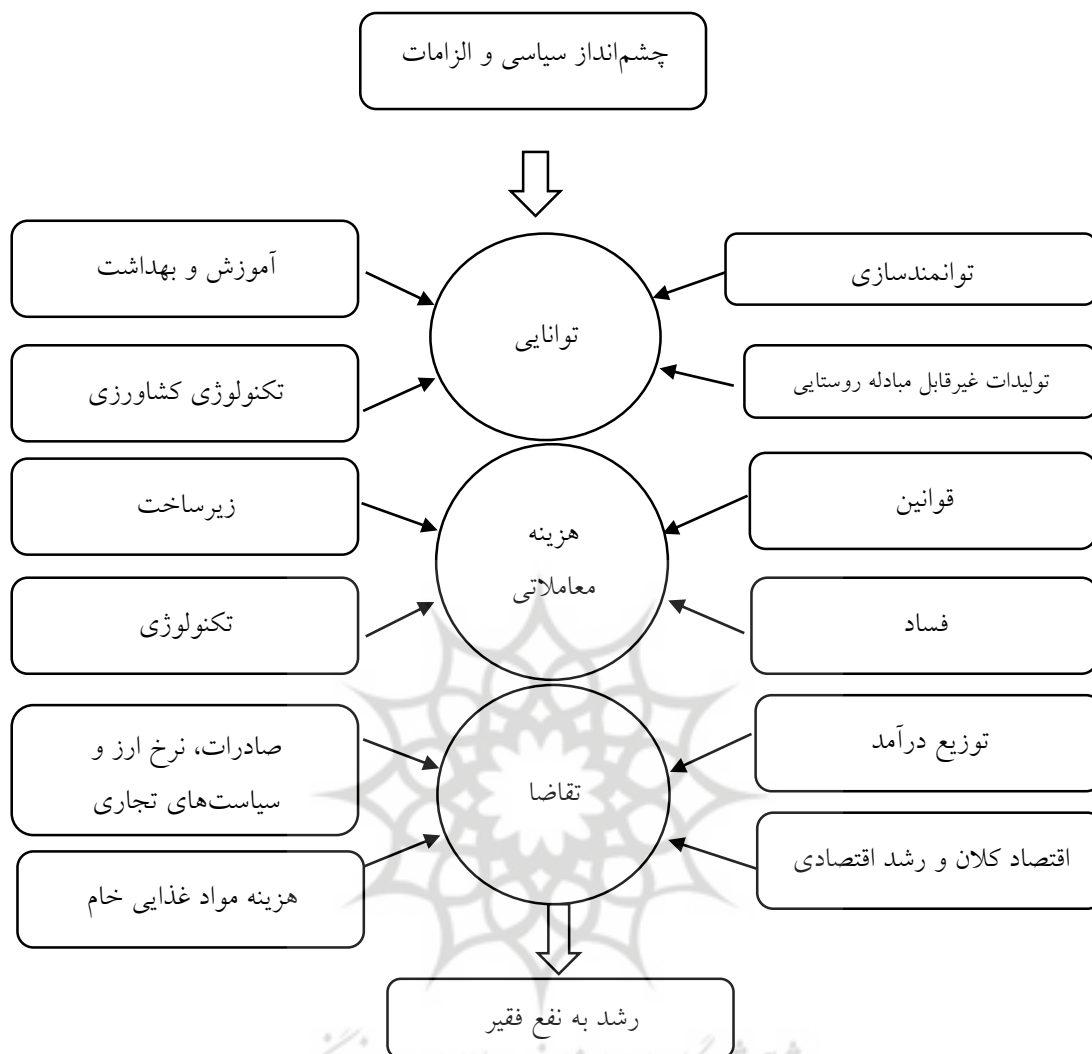
^۴ - دانشیار اقتصاد کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان.

*- نویسنده مسئول مقاله: M.tasan@yahoo.com

پیش‌گفتار

مسئله رشد به نفع فقیر از تلاش برای درک بهتر رابطه بین رشد اقتصادی و کاهش فقر ناشی می‌شود. این قاعده که رشد در اقتصاد ملی، یک شرط لازم برای کاهش فقر است، کاملاً صحیح نیست. زیرا در برخی جوامع (مانند کوبا و سریلانکا) مشاهده شده که توسعه استانداردهای انسانی با رشد پایین و یا بدون رشد اتفاق افتاده است و در برخی کشورها با وجود تجربه رشد اقتصادی، کاهش فقر یا بسیار کم است یا اصلاً اتفاق نیفتاده است. لذا، به دلیل تجارب کشورهای گوناگون، باید در مورد اثر رشد بر کاهش فقر با رعایت احتیاط بحث شود. به همین دلیل پژوهشگران توسعه به شرایطی از رشد توجه می‌کنند که در آن، اثرات کاهش فقری قوی باشد و یا به دنبال نوعی از رشد اقتصادی می‌گردند که از نقطه نظر کاهش سریع فقر، مرجح است. مفهوم "رشد به نفع فقیر" آخرین تلاش برای پاسخ به مسئله فوق است که از دهه ۱۹۹۰ مطرح شده است (Whitfield, 2008).

روی هم رفته، استراتژی رشد به نفع فقیر شامل سه سطح اساسی است: بهبود توانایی افراد فقیر، کاهش هزینه‌های معاملاتی در اقتصاد بویژه بین مناطق شهری و روستایی و افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات تولیدی افراد فقیر. در شکل ۱ عوامل اثرگذار بر هر یک از این سه سطح مشاهده می‌شود. با توجه به شکل، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی مانند آموزش، بهداشت عمومی، مراکز مشاوره خانواده و ... سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های کشاورزی مانند ماشین‌آلات، بذره‌های اصلاح شده، روش‌های آبیاری و ... و یا سرمایه‌گذاری در تولیدات غیرقابل مبادله روستایی مثل راه و ساختمان، توانایی افراد فقیر را بهبود بخشیده و رشد را به نفع فقرا جهت می‌دهد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های عمومی در زیرساخت‌ها و فناوری، توسعه قوانین و مقررات و کاهش فساد اداری زمینه‌های کاهش هزینه معاملاتی را فراهم کرده و سبب توسعه بازارها می‌شود. لذا، مشارکت خانوارهای فقیر در بازارهای اقتصادی افزایش پیدا کرده و جهت رشد به سمت فقرا نشانه‌گیری می‌شود. در لایه سوم استراتژی فوق، بهبود توزیع درآمد افراد جامعه و کاهش هزینه مواد غذایی خام، رشد به نفع فقیر را به دنبال دارد. همچنین، سیاست‌های کلان اقتصادی مانند سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و ارزی نیز می‌توانند بر رشد به نفع فقیر اثر بگذارند (Timmer, 2004).



شکل ۱- مسیر رشد به نفع فقیر.

Fig. 1- Pro Poor Growth Path

همان‌گونه که مشاهده شد یکی از عوامل مؤثر بر رشد به نفع فقیر، سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاست‌های تجاری است. با توجه به ارتباط بین رشد و کاهش فقر از یک طرف و تأکید دولت‌ها بر رشد همراه با عدالت از سوی دیگر، سیاست‌گذاران سعی بر این دارند تا از راه اعمال برخی سیاست‌ها به رشد اقتصادی همراه با کاهش فقر دست یابند. حال مسئله این است که با وجود

هدف مشترک همه اقتصادها مبنی بر کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی همراه با عدالت، در برخی جوامع در حال توسعه از جمله ایران، همچنان اهداف بالا تحقق پیدا نکرده است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان گفت، در مطالعات داخل عمدتاً به بررسی چگونگی اندازه‌گیری رشد به نفع فقیر و یا اثر رشد اقتصادی بر فقر^۱ پرداخته شده است و مطالعه‌ای در زمینه اثر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر صورت نگرفته است. مطالعات مربوط به اندازه‌گیری رشد به نفع فقیر نیز عبارتند از:

(2008) Baghery & Kavand مطالعه‌ای با عنوان "اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران" منتشر کردند. هدف آن‌ها این بود که ضمن ارائه منحنی رشد - فقر و منحنی سلطه لورنز و تحلیل تغییرات رشد اقتصادی و نابرابری، نشان دهند که آیا رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۵ به نفع فقرا بوده است یا خیر. آن‌ها برای بررسی موارد ذکر شده با استفاده از برهان اتکینسون، منحنی لورنز تعمیم یافته را به رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی ارتباط داده و سپس با استفاده از داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی در سال‌های مورد بررسی، منحنی رشد - فقر و سلطه لورنز برای خانوارهای ایرانی را محاسبه و مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که رشد میانگین درآمد در مناطق شهری ۷۹-۷۸، ۷۸-۷۹ و ۸۰-۸۱ به نفع فقرا ۸۱ و ۸۳-۸۴ و در مناطق روستایی در سال‌های ۷۸-۷۷، ۷۹-۷۸، ۸۰-۷۹ و ۸۱-۸۰ به نفع فقرا بوده است یعنی افزون بر این که افزایش درآمد افراد فقیر بیش از افراد غیر فقیر بوده، نابرابری بین خانوارهای فقیر نیز کاهش یافته است. لذا آن‌ها استنباط کردند که رشد اقتصادی در اغلب سال‌های مورد بررسی در مناطق روستایی و شهری به نفع فقرا عمل کرده است.

(2006) Pirae & Ghana'atian مطالعه‌ای با عنوان "اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران: اندازه‌گیری شاخص رشد به نفع فقیر" منتشر کردند. مطالعه آن‌ها دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۷۴ و مناطق شهری و روستایی ایران را دربر می‌گیرد. نتایج عمده بدست آمده حاکی از آن است که شمول فقر در مناطق شهری و روستایی ایران در دوره مورد بررسی کاهش یافته و شدت و عمق فقر در مناطق روستایی افزایش پیدا کرده است. همچنین، با توجه به شاخص‌های محاسبه شده از جمله منحنی‌های اصابت رشد، منحنی رشد-فقر، نرخ‌های رشد معادل فقر و مبادله بین رشد و نابرابری مشاهده شد رشد اقتصادی طی سال‌های مورد نظر در مناطق شهری و روستایی به طور ضعیف به نفع فقرا عمل کرده است. به بیان دیگر، رشد ریزشی از غنی به فقیر است. تنها در سال ۱۳۷۷ به دلیل آن که اثر رشد بر فقر، اثر معکوس بر نابرابری را جبران نکرده، رشد به ضرر فقیر (تشدید کننده فقر) بوده است.

^۱ - اثر رشد اقتصادی بر فقر مورد نظر این پژوهش نمی‌باشد.

Mahmoudi (2004) تغییر در فقر را به اجزای رشد و توزیع مجدد تجزیه کرد. مدل وی بر مدل Ravallion & Dott (1999) از لحاظ دقیق بودن و نیاز نداشتن به جز پسماند و کاربرد آسان آن در پژوهش‌های تجربی مزیت دارد. ولی بر خلاف مدل مذکور، اثرات رشد و توزیع دوباره، نسبت به سال شروع و پایان متقارن است. او با استفاده از داده‌های مخارج مصرفی خانوارهای شهری و روستایی مربوط به سال‌های ۱۹۸۹ (سال ابتدایی) و ۱۹۹۴ (سال انتهایی) برنامه نخست توسعه، مشاهده کرد که هر دو جز در تغییر فقر سهیم بودند. در مناطق روستایی، افزایش در فقر به گونه عمده ناشی از افزایش قابل توجه در نابرابری یا جز توزیع مجدد بوده، اما در مناطق شهری و نیز کل کشور، کاهش در رشد (کاهش در میانگین مخارج مصرفی) به افزایش در فقر کمک کرده است. Pirae (2003) ارتباط بین رشد و فقر را در طول برنامه نخست توسعه بررسی کرد. وی با استفاده از روش کاکوانی و پرنیا، شاخص رشد فقرزدا (رشد به نفع فقیر) را تجزیه و تحلیل کرد. نتایج پژوهش وی نشان دادند که مقدار فقر در طی برنامه اول کاهش یافته است. با تجزیه تغییرات در فقر به اثر خالص رشد و اثر خالص نابرابری، مشخص شد که در مناطق شهری، روستایی و در کل کشور، اثر خالص رشد منفی ولی اثر خالص نابرابری بر فقر مثبت بوده است. شاخص رشد به نفع فقیر که به وسیله شاخص‌های فقر مانند سرشمار، شکاف فقر و فوستر گریر توربک محاسبه شد، نشان داد که رشد اقتصادی در تمام مناطق به نفع فقرا بوده است.

در مطالعات خارجی نیز مشخصاً در زمینه اثر بازبودن بر رشد به نفع فقیر کار نشده است. آنچه در مطالعات خارجی می‌توان یافت اغلب در مورد اثر سیاست‌های اقتصادی بر رشد به نفع فقیر است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Maier (2004) به بررسی اثر سه سیاست بدهی خارجی، رژیم ارزی و سیاست تجاری بر رشد به نفع فقیر در ۵۸ کشور در حال توسعه و گذار در فاصله زمانی ۱۹۹۹-۱۹۷۰ پرداخت. وی از یک مدل رشد و یک تخمین سیستمی گشتاورهای تعمیم یافته برای پوشش مباحث اقتصاد سنجی استفاده کرد. نتایج مطالعه مایر عبارتند از:

سطوح بالای بدهی خارجی اثر منفی بر سطح درآمد ۴۰ درصد فقیرترین افراد جامعه داشته بدون این‌که اثر قابل توجهی بر نرخ رشد داشته باشد. اگر چه کاهش سطوح بدهی خارجی اثر مثبت بر فقرا دارد، اما اگر تمام بدهی خارجی آزاد شود، منابع کافی برای فعالیت‌های فقرزدا را به دست نمی‌دهد.

بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان بر اثرات مثبت استفاده از رژیم ارزی انعطاف پذیر محدود و شناور مدیریت شده در کشورهای در حال توسعه تأکید کرد.

رفع موانع صادرات مواد خام کشاورزی برای ۴۰ درصد فقیر جامعه اثر مهمی دارد. همچنین، آزاد کردن واردات مواد خام کشاورزی اثر مثبت بر میانگین درآمدی فقرا دارد بدون این که توزیع درآمد آن‌ها را تغییر دهد.

(2004) Menezes & Vasconcellos پژوهشی با عنوان "آیا رشد اقتصادی در برزیل به نفع فقیر است؟ چرا؟" انجام دادند. آن‌ها برای پاسخ به این سؤال، چندین شاخص اقتصادی را در این کشور بررسی کرده، متغیرهای مرتبط با سطح فقر و تغییرات آن را ارزیابی نموده و کشش رشدی فقر را محاسبه کردند. در نهایت، عوامل تعیین کننده رشد به نفع فقیر را در ایالات برزیل شناسایی کرده و امکان مبادله میان رشد و رشد به نفع فقیر را مورد بحث قرار دادند. آن‌ها نشان دادند که رشد در برزیل به نفع فقرا بوده است. شواهد مربوط به ایالات برزیل نشان می دهد که ۱۰ درصد افزایش در درآمد به طور میانگین ۸ درصد فقر شدید را کاهش می دهد.

در این مطالعه با استفاده از تجزیه Ravallion & Dott (1999) تغییر در فقر ناشی از تغییر در رشد (در غیاب تغییر در نابرابری) و تغییر در نابرابری (در غیاب تغییر در رشد) مورد ارزیابی قرار گرفته است. رابطه زیر مبین تجزیه Ravallion & Dott (1999) است:

$$\Delta P = [P(\mu_2, L_{\pi}) - P(\mu_1, L_{\pi})] + [P(\mu_{\pi}, L_2) - P(\mu_{\pi}, L_1)] + R \quad (1)$$

که در آن P فقر، μ_t میانگین درآمد در دوره t و L منحنی لورنز است.

نتایج تجزیه فقر نشان می دهد که کاهش فقر در برزیل در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ به گونه عمده در مناطق روستایی و در بین افراد کم‌تر تحصیل کرده رخ داده است. کاهش فقر در مراکز شهری عمدتاً نتیجه ارتقا سرمایه انسانی است. نتایج تجزیه ذات و راولیون نشان می دهد که بیش‌تر کاهش فقر ناشی از رشد است و تنها مقدار کمی از آن در نتیجه کاهش در نابرابری رخ می دهد. لذا با توجه به مطالعات گذشته، در این مقاله علاوه بر محاسبه شاخص رشد به نفع فقیر بر اساس روش Kakwani & Perina (2000) برای یک دوره بیش از سه دهه، به بررسی اثر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر در ایران پرداخته شده است تا نقاط ضعف و قوت سیاست‌های اجرا شده نمایان شود و دولت بتواند با بازنگری بر سیاست‌های اعمال شده و جایگزینی آن‌ها با سیاست‌های درست به هدف رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی دست یابد.

مبانی نظری پژوهش

در این بخش ابتدا شاخص رشد به نفع فقیر تعریف و سپس با در نظر گرفتن مطالعات تئوریک شش کانال برای اثرگذاری سیاست باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر معرفی می شود.

شاخص رشد به نفع فقیر

در سال‌های اخیر، تلاش زیادی شده تا رشد به نفع فقیر تعریف شود که حاصل آن دو تعریف متفاوت است:

بر اساس تعریف بانک جهانی، رشد به نفع فقیر رشدی است که فقر را کاهش می‌دهد. (Ravallion & Chen 2003). تعریف دیگر، رشد به نفع فقیر را رشدی می‌داند که منافع آن، بیش از افراد غیرفقیر، متوجه افراد فقیر گردد (McCulloch *et al.*, 2000; Kakwani & Pernia 2000). به بیان دیگر، رشد به نفع فقیر، به تغییر در توزیع، در جریان رشد توجه دارد. بر اساس این تعریف، دقیقاً رشد به نفع فقیر وقتی است که درآمد افراد فقیر با نرخ بالاتر از افراد غیرفقیر افزایش یابد. بنابراین، در این حالت چنانچه رشد، هم فقر و هم نابرابری را کاهش دهد به نفع فقیر است. این تعریف قوی رشد به نفع فقیر می‌باشد (McCulloch *et al.*, 2000; Kakwani & Pernia 2000).

تعریف قوی رشد به نفع فقیر به دو قسمت مطلق و نسبی تقسیم می‌شود. رشد به نفع فقیر مطلق، درآمد افراد فقیر را مورد توجه قرار می‌دهد و به دنبال پاسخ به این سوال است که به طور میانگین درآمد افراد فقیر با چه سرعتی افزایش می‌یابد. در حالی که رشد به نفع فقیر نسبی، تغییرات درآمد افراد فقیر را با تغییرات درآمد افراد غیرفقیر مقایسه می‌کند.

(Kakwani & Perina 2000) از تجزیه فقر برای نشان دادن آن که کاهش فقر هم به نرخ رشد و هم به تغییر در توزیع درآمد بستگی دارد، استفاده کردند. در الگوی آنها وقتی افراد فقیر نسبت به افراد غیر فقیر از منافع رشد بیش‌تر بهره‌مند می‌شوند، رشد به نفع فقیر خواهد بود. هم‌چنین، چنانچه رشد، فقر را کاهش دهد و نابرابری نیز کاهش یابد رشد به نفع فقیر است. کاکوانی و پرینا شاخص رشد به نفع فقیر را به منظور اندازه‌گیری درجه رشد به نفع فقیر ارائه کردند.

برای محاسبه شاخص رشد به نفع فقیر بر اساس روش بالا، ابتدا باید کشش فقر نسبت به نابرابری و کشش فقر نسبت به رشد تعیین شود. در نهایت، شاخص رشد به نفع فقیر محاسبه می‌شود. روابط زیر که بر مبنای شاخص شکاف فقر است، برای محاسبات یاد شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. داده‌های مورد استفاده برای محاسبه شاخص رشد به نفع فقیر از آمار هزینه خانوارها برگرفته از مرکز آمار ایران داده‌های جامع درآمدی و هزینه‌ای^۱ HEIS گردآوری شده است.

$$\eta_G = \frac{-\mu^*}{Z - \mu^*} \quad (۲)$$

$$\eta_I = \frac{\mu - \mu^*}{Z - \mu^*} \quad (۳)$$

^۱ - Household Expenditure and Income Survey

$$\varphi_t = \frac{\eta_G + \eta_I}{\eta_G} \quad (۴)$$

که در آن η_G و η_I به ترتیب کشش فقر نسبت به رشد و کشش فقر نسبت به نابرابری، Z خط فقر، μ میانگین درآمد جامعه و μ^* میانگین درآمد افراد فقیر (چهار دهک نخست) است. شاخص رشد به نفع فقیر محاسبه شده در تمامی سال‌های موردنظر مثبت و کم‌تر از یک است که این امر بیانگر این است که رشد صورت گرفته در کشور در سال‌های گوناگون به گونه نسبتاً ضعیفی به نفع فقرا عمل کرده و با وجود سیاست‌های دولت‌های گوناگون در راستای عدالت و برابری، وضعیت فقرا در اثر رشد اقتصادی بهبود چندانی نیافته است.

جدول ۱- شاخص رشد به نفع فقیر.

Table 1- Pro Poor Growth Index

شاخص رشد به نفع فقیر Pro Poor Growth	سال Year
0.865	1982
0.923	1983
0.991	1984
0.985	1985
0.998	1986
1.000	1987
1.000	1988
1.000	1989
0.998	1990
0.998	1991
0.999	1992
0.999	1993
0.959	1994
0.835	1995
0.699	1996
0.805	1997
0.937	1998
0.936	1999
0.935	2000
0.857	2001
0.841	2002
0.770	2003

شاخص رشد به نفع فقیر Pro Poor Growth	سال Year
0.693	2004
0.692	2005
0.748	2006
0.706	2007
0.750	2008
0.801	2009
0.648	2010
0.666	2011
0.500	2012
0.697	2013
0.566	2014
0.630	2015

منبع: نتایج پژوهش

Source: Research Result

کانال‌های اثرگذاری بازبودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر

کانال‌های اثرگذاری سیاست بازبودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر عبارتند از:

اثر بازبودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر از کانال رشد اقتصادی

کاهش فقر از کانال رشد اقتصادی ناشی از بازبودن اقتصاد بسیار واضح است زیرا رشد اقتصادی به عنوان یک عنصر کلیدی در کاهش فقر مطلق به حساب می‌آید. (Gugerty & Roemer, 1997) می‌توان اثر بازبودن بر رشد به نفع فقیر را به صورت زیر خلاصه کرد:

- * بر اساس تئوری‌های رشد می‌توان ادعا کرد که بازبودن اقتصاد به واسطه تخصیص کارآتر منابع، رشد اقتصادی را تسریع می‌کند. (Maier, 2004) افزایش رشد نیز فقر را کاهش می‌دهد.
- * با بهبود دسترسی به کالاهای واسطه‌ای سرمایه‌ای، کارایی فنی از طریق فن‌آوری موجود در واردات سرمایه افزایش می‌یابد. (Berg & Krueger, 2003) لذا، بازبودن اقتصاد از راه افزایش بهره‌وری و افزایش رشد بر فقرا اثر می‌گذارد (Winters *et al.*, 2004).
- * دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر از راه اثرات سرریز فناوری‌های نوین که در مدل‌های رشد درون‌زا به آن اشاره شده است، سبب ترویج نوآوری می‌شود. (Grossman & Helpman, 1994)

باید توجه داشت که اثرات کاهش فقری اصلاحات تجاری نظیر باز بودن اقتصاد به رابطه بین اقتصاد کلان و سیاست‌ها و نهادهای ساختاری در سطح داخلی بستگی دارد. (Bannister & Thugge, 2001) نهادهای داخلی از باز بودن اقتصاد اثر مثبت می‌پذیرند و لذا، رشد را تسریع می‌کنند زیرا آزاد سازی اقتصاد، قوانین خاصی را به سیاست‌های بد دولت مانند فساد تحمیل می‌کند (Ades & Di Tela, 1999).

اثر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر از کانال انتقال قیمت

کاهش تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری، بر قیمت محصولات قابل مبادله عرضه و تقاضا شده به وسیله فقرا، اثر گذاشته و از این راه بر درآمد آن‌ها اثر می‌گذارد. این اثرگذاری به وضعیت اقتصادی فقرا بستگی دارد. منظور از وضعیت اقتصادی این است که آن‌ها مصرف‌کننده خالص و یا تولیدکننده خالص یک کالا باشند. برای مثال، کاهش تعرفه یک کالای خاص، قیمت وادراتی آن کالا را برای تولیدکننده و مصرف‌کننده فقیر کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، اگر عوارض صادراتی یک کالا لغو شود و آن کالا به قیمت با ثبات بازار جهانی به فروش برسد، تولیدکننده‌های ضعیف درآمد بیشتری از صادرات آن کالا به دست می‌آورند. باید توجه داشت که مکانیزم انتقال قیمتی به شدت تحت تأثیر ساختار رقابتی بخش توزیع می‌باشد. (Maier, 2004) بنابراین، در صورتی که فقرا در الگوهای اولیه با وجود محدودیت تجاری سهمی نداشته باشند ممکن است از باز بودن تجاری آسیب ببینند. پس اثر خالص باز بودن اقتصاد از این کانال بر فقرا مبهم است بویژه زمانی که تجارت کالاها به گونه هم‌زمان آزاد شود.

اهمیت اثرات قیمتی باز بودن اقتصاد در بخش کشاورزی و مواد غذایی بیش‌تر از بخش صنعت است زیرا بخش عمده مصرف فقرا به مخارج مواد غذایی اختصاص دارد. (Goldberg & Pavcnik, 2004) افزون بر این، باز بودن اقتصاد در بخش کشاورزی به خاطر وجود سرریز مثبت به سمت غیرکشاورزان می‌تواند منافی را برای فقرا به همراه داشته باشد. (Winters *et al.*, 2004) البته، اگر باز بودن اقتصاد در بخش کشاورزی و مواد غذایی به عنوان عاملی مهم در کاهش فقر پذیرفته شود باز هم اثرات قیمتی به اصلاحات داخلی این بخش بستگی دارد. انحراف در بازارهای داخلی، از فقرا امکان کسب فرصت‌های ناشی از آزادسازی را سلب می‌کند. (Maier, 2004) لذا، اثرات فقری اصلاحات تجاری در بخش کشاورزی مستقل از سیاست‌های سایر بخش‌ها و یا سایر کشورها نیست. (McCulloch *et al.*, 2001) برای مثال نمونه‌های زیر این وابستگی را نشان می‌دهد: در کشورهای در حال توسعه تعرفه واردات کالاهای صنعتی نسبت به کالاهای کشاورزی بیش‌تر بوده و لذا، قیمت داخلی محصولات صنعتی نسبت به کشاورزی بالاتر است. تشدید تعرفه محصولات کشاورزی در

کشورهای صنعتی، تجارت مواد خام کشاورزی را تشویق می‌کند. در نهایت، یارانه زیاد کالاهای صادراتی در کشورهای صنعتی می‌تواند صادرات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه را محدود کند.

اثر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر از کانال دست‌مزد و اشتغال

باز بودن اقتصاد از راه دست‌مزد و اشتغال بر درآمد فقرا اثرگذار است. بر اساس تئوری استالپر-ساموئلسون افزایش در قیمت نسبی کالاهای صادراتی تولید شده به افراد ناماهر سبب افزایش دست‌مزد این افراد شده و اگر فقرا عضو این گروه از نیروی کار باشند، فقر کاهش می‌یابد. (Bannister & Thugge, 2001) استدلال استالپر و ساموئلسون در باز بودن اقتصاد در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه که بیش‌تر نیروی کار در بخش کشاورزی شاغل‌اند و مهارت‌های کمی دارند مهم‌تر جلوه می‌کند (McCulloch et al., 2001).

از سوی دیگر، محدودیت‌های تجاری کمتر ممکن است تقاضا برای نیروی کار غیرماهر را کاهش دهد زیرا نیروی کار غیرماهر یک عامل پرکاربرد در تولید کالاهای قابل مبادله نیست. به دلیل این که با آزاد سازی اقتصاد و ورود فن‌آوری جدید نیاز به نیروی کار ماهرتر به وجود می‌آید (Goldberg & Pavcnik, 2004). این وضعیت در کشورهای در حال توسعه و در زمان کاهش تعرفه‌ها در بخش صنعت که بیش‌تر نیروی کار ماهر استفاده می‌کند رخ می‌دهد. البته، پیش‌بینی‌های تئوری استالپر-ساموئلسون به دلیل وجود فرضیات محدودکننده و غیرواقعی نظیر تحرک کامل نیروی کار و بازار عوامل و کالای کاملاً رقابتی مورد انتقاد قرار می‌گیرد (Bannister & Thugge, 2001).

در حالی که در تئوری استالپر ساموئلسون عرضه کل نیروی کار ثابت فرض می‌شود می‌توان چنین تصور کرد که عرضه کار کاملاً کشش‌پذیر باشد. در این مورد افزایش قیمت کالاهای صادراتی در نتیجه باز بودن اقتصاد می‌تواند به افزایش در اشتغال نه در دست‌مزد منجر شود و این عامل وضعیت فقرایی که هیچ منبع درآمدی ندارند را بهبود می‌بخشد. در واقعیت ترکیبی از دو حد بالا امکان‌پذیر است و این ترکیب به تقسیم‌بندی بازار با توجه به مهارت، جنسیت و مکان بستگی دارد. (McCulloch et al., 2001) در نهایت، باید توجه داشت که اثرات اشتغال و دست‌مزد به انعطاف‌پذیری بازار کار، کل بسته اصلاحات و اهمیت بخش‌های آزاد شده دارد (Maier, 2004).

اثر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر از کانال مالیات و مخارج دولت

اصلاحات تجاری می‌تواند با کاهش درآمدهای دولت مانع از انجام هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری عمومی و مخارج اجتماعی نظیر بهداشت، آموزش و امنیت اجتماعی شود. (Maier,)

2004) از آنجایی که مالیات بر تجارت در کشورهای در حال توسعه تا ۵۰ درصد از کل درآمد دولت را پوشش می‌دهد، (Maier, 2004) کاهش تعرفه تجاری می‌تواند به محدودیت‌های شدید بودجه‌ای منجر شود. البته، اگر اصلاحات تجاری به درستی مدیریت شود، کاهش درآمد دولت لزوماً به معنای کاهش مخارج برنامه‌های اجتماعی نیست. (Bannister & Thugge, 2001) هم‌چنین، اثر نهایی تغییر درآمد دولت بر فقرا بستگی به ساختار اولیه برنامه‌های مخارج اجتماعی و چگونگی اثرپذیری فقرا از سیستم مالیاتی جدید دارد. زیرا در کشورهای در حال توسعه مخارج اجتماعی اغلب خانوارهای با درآمد بالا را منتفع می‌کند (Dollar & Kraay, 2000).

در حالت کلی اثر آزادسازی اقتصاد بر درآمد دولت بستگی به عواملی نظیر نحوه اجرای اصلاحات، موقعیت اولیه اقتصاد، اثر کاهش تعرفه بر حجم تجارت و تغییر در سیستم مالیات دارد و لذا، باید یادآوری شود که آزادسازی اقتصاد می‌تواند اثر مثبت، منفی و یا خنثی بر درآمد دولت داشته باشد (Bannister & Thugge, 2001).

اثر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر از کانال تلاطم^۱ و شوک‌های خارجی

آزادسازی اقتصاد منجر به ادغام در بازارهای جهانی شده و می‌تواند از این راه تلاطم در رابطه مبادله و یا نوسانات ستاده را در پی داشته باشد. به لحاظ تئوریک ارتباط باز بودن و تلاطم به این دلیل مطرح می‌شود که اثر خاص آزادسازی اقتصاد یعنی افزایش احتمال ابتلا به شوک‌های بخشی بررسی شود زیرا هر چقدر اقتصاد بیش‌تر در معرض شوک خارجی قرار بگیرد، سطح کلی ریسک افزایش می‌یابد. (McCulloch *et al.*, 2001) فقرا بنا به دلایل زیر نسبت به شوک‌های خارجی و تلاطم در اقتصاد کلان آسیب‌پذیر هستند: (Glewwe & Hall, 1998)

تغییرپذیری درآمد فقرا ناشی از وابستگی به قیمت‌های انعطاف‌پذیر بازارهای جهانی افزایش می‌یابد.

افزایش پس‌انداز احتیاطی ناشی از افزایش نااطمینانی درباره درآمدهای آتی سبب کاهش رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش فقر می‌شود.

اثرات بازار اعتباری شامل رتبه بندی اعتباری^۲ بالاتر، حق بیمه ریسک بیش‌تر و افزایش نرخ استقراض برای بنگاههای خصوصی از راه کاهش تقاضا برای نیروی کار، اثر منفی بر فقرا می‌گذارد (Agénor, 2002).

¹ - Volatility

² - Credit Rationing

اثر شوک‌های خارجی و وابستگی به قیمت‌های بازار جهانی به شدت تحت تأثیر نهادهایی است که شوک‌ها و قیمت‌ها از راه آن‌ها به فقرا انتقال می‌یابند. هم‌چنین، اثر خالص فقری بستگی به چگونگی مقابله فقرا با شوک‌های پیش‌بینی نشده دارد. (McCulloch et al., 2001).

اثر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر از کانال تعدیل کوتاه مدت

اگرچه آزادسازی اقتصاد در بلندمدت منافی برای اقتصاد دارد، اما شوک‌های ناشی از اصلاحات تجاری در یک دوره اثر منفی بر افراد فقیر به جا می‌گذارد. فقرا تحت تأثیر تغییر وضعیت اشتغال و سرعت فرایند تعدیل در بازار چسبنده نیروی کار هستند. فقر فزاینده ناشی از اثرات کوتاه‌مدت آزاد سازی اقتصاد به وضعیت اولیه حمایت از بخش‌های خاص و مقدار دارایی اولیه خانوارها برای هموارکردن مصرف در دوره بیکاری انتقالی بستگی دارد. هم‌چنین، اثرات یادگیری حین انجام کار و مقیاس اقتصادی، بیش‌تر برای کشورهای مطرح می‌شود که کالاهای با فناوری بالا تولید می‌کنند. پس اثرات منفی و موقت باز بودن اقتصاد بر رشد و فقر در دوره تعدیل اقتصادی ظاهر می‌شود که صادرکننده کالاهای با فناوری پایین و یا مواد خام هستند. (Maier, 2004)

روش‌شناسی پژوهش

ارائه الگو

با توجه به آنچه در مبنای نظری عنوان شد می‌توان بمنتظر برآورد تأثیر باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر از رابطه زیر استفاده کرد:

$$\varphi_t = \alpha_0 + \beta_j D_{jt} + \gamma_0 OPEN_t + \theta_i X_{it} + \varepsilon_t \quad (5)$$

که در آن φ_t نرخ رشد به نفع فقیر، $OPEN_t$ شاخص باز بودن اقتصاد، D_{jt} متغیرهای کنترلی شامل متغیر مجازی مربوط به سال‌های جنگ، توسعه انسانی و ضریب جینی و X_{it} سایر متغیرهای الگو شامل نرخ مبادله تجاری، نرخ بیکاری، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نسبت کسری بودجه دولت به GDP و ε_t جزء اخلاص است.

متغیر درجه باز بودن اقتصاد از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی منهای خالص صادرات بدست می‌آید. آمار مربوط به این متغیر از بانک مرکزی استخراج شده است.

$$Open = \frac{X+M}{GDP-(X-M)} \quad (6)$$

شاخص توسعه انسانی به عنوان متغیر جایگزین برای سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت با اثر انتظاری مثبت وارد الگو شده است. ضریب جینی، اثرات نابرابری اولیه بر رشد به نفع فقیر را پوشش می‌دهد.

نرخ مبادله تجاری، نرخ بیکاری، نرخ رشد اقتصادی و نسبت کسری بودجه دولت به GDP به منظور در نظر گرفتن کانال‌های متفاوت اثرگذاری باز بودن اقتصاد بر رشد به نفع فقیر وارد الگو شده‌اند.

روش برآورد مدل

با توجه به این که وجود روندهای تصادفی در سری‌های زمانی می‌تواند تفسیر نتایج اقتصادسنجی، انتخاب روش تخمین و اعتبار پیش‌بینی‌های انجام گرفته به کمک الگو (مدل) را با مشکل مواجه کند، ابتدا مانایی متغیرهای الگو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

Pesaran & Shin (1995) و Pesaran *et al.* (2001) نشان دادند استفاده از رویکرد خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۱، به هم‌انباشتگی (رابطه بلندمدت) این اجازه را می‌دهد که در مورد سری‌های $I(0)$ و $I(1)$ وجود رابطه بلند مدت را مورد بررسی قرار دهد (Petkov, 2008). Pesaran *et al.* (2001) آزمونی را با عنوان آزمون کرانه‌ها برای بررسی هم‌انباشتگی میان متغیرها پیشنهاد دادند که الگوی زیر قالب این آزمون نشان می‌دهد:

$$\alpha(L, P)Y_t = \sum_{i=1}^k \beta_i(L, q_i)X_{it} + \delta W_t + U_t \quad (7)$$

که در آن L عملگر وقفه، W برداری از متغیرهای قطعی، P وقفه‌های متغیر وابسته و q_i وقفه‌های متغیرهای مستقل است. روش ARDL شامل دو مرحله است. نخستین گام در آزمون کرانه‌ها، آزمون فرضیه صفر مبنی بر نبود هم‌انباشتگی است. چون توزیع F نامتقارن است، پسران و همکاران مقادیر بحرانی را برای آماره F در دو مرحله تخمین زده‌اند. ابتدا با این فرض که همه متغیرها $I(0)$ هستند و بار دیگر با این فرض که همه متغیرها $I(1)$ هستند و سپس کران پایین را برای رگرسیون‌های $I(0)$ و کران بالا را برای رگرسیون‌های $I(1)$ تعریف کرده‌اند. اگر آماره F محاسباتی بزرگ‌تر از مقدار کران بالا باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و اگر کوچک‌تر از کران پایین باشد، نمی‌توان فرضیه صفر را رد کرد و اگر آماره F بین دو کران قرار گیرد، آزمون بی‌نتیجه است. پس از این مرحله، تخمین ضرایب بلندمدت صورت می‌گیرد.

¹ - Auto Regressive Distributed Lag

نتایج تخمین

همان گونه که پیش تر گفته شد، ابتدا مانایی متغیرهای الگو، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جدول زیر، نتایج بدست آمده از آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته ارائه می‌شود.

جدول ۲- آزمون ریشه واحد متغیرهای پژوهش

Table 2- Variables Unit Root Test

نتیجه Result	مقدار بحرانی در سطح معناداری ۵٪ Probe	آماره آزمون t- statistics	نماد متغیر Var. Symbol	نام متغیر Variable
مانا در سطح	-3.56	-3.95	φ	رشد به نفع فقیر Pro Poor Growth
نامانا در سطح	-2.95	-0.81	Open	باز بودن اقتصاد Economic Openness
مانا در تفاضل مرتبۀ اول	-3.6	-6.02		
مانا در سطح	-2.95	-3.08	TOT	نرخ مبادله تجاری Terms of Trade
نامانا در سطح	-2.95	-0.94	HDI	شاخص توسعه انسانی Human Capital Index
مانا در تفاضل مرتبۀ اول	-2.96	-3.37		
مانا در سطح	-2.95	-3.42	Gini	ضریب جینی Gini Index
مانا در سطح	-2.96	-3.67	GGDP	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی GDP Growth Rate
مانا در سطح با روند و عرض از مبدأ	-3.55	-4.15	Unemp	نرخ بیکاری Unemployment Rate
مانا در سطح	-1.95	-2.02	Def	نسبت کسری بودجه دولت به GDP Budget Deficit to GDP Ratio

منبع: نتایج پژوهش

Source: Research Result

همان گونه که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد تمامی متغیرهای مدل به استثنای باز بودن اقتصاد و شاخص توسعه انسانی در سطح مانا هستند. متغیرهای یادشده نیز با یک بار تفاضل گیری مانا می‌شوند. ابتدا آزمون وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای پژوهش براساس آزمون کرانه (2001) *et al.* Pesaran انجام و نتیجه در جدول ذیل ارائه شده است. رابطه بلندمدت بین متغیرها به دلیل بیش تر بودن آماره F محاسباتی از کران بالای ارائه شده به وسیله پسران و همکاران، مورد تأیید قرار می‌گیرد. وقفه بهینه برای متغیرها با استفاده از معیار داده‌های آکاییک تعیین شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون کرانه.

Table 3- Bound Test Results

آماره F محاسباتی F-statistics	تعداد وقفه بهینه Number of Optimal Lags	الگوی برآورد شده Estimated Model
95.79	(4,3,2,3,3,3,0,0,0)	PPG Open, GGDP, Uemp, Def, TOT, HDI, Gini, Dum

منبع: نتایج پژوهش

Source: Research Result

نتایج تخمین الگوی کوتاه‌مدت عبارت است از:

جدول ۴- نتایج تخمین کوتاه‌مدت.

Table 4- Short-Run Estimation Results

Prob	آماره t- t-statistics	خطای استاندارد Standard Error	ضریب Coefficient	نام متغیر Variable
0.008	-10.63	0.06	-0.73	$\varphi(-1)$
0.05	4.27	0.06	0.27	$\varphi(-2)$
0.17	-2.09	0.16	-0.34	$\varphi(-3)$
0.02	-5.87	0.14	-0.82	$\varphi(-4)$
0.03	-5.46	0.01	-0.06	Open
0.05	4.28	0.008	0.03	Open(-1)
0.008	10.79	0.01	0.11	Open(-2)

0.20	1.86	0.01	0.03	Open(-3)
0.01	8.67	0.08	0.76	GGDP
0.003	4.89	0.1	0.5	GGDP(-1)
0.008	10.67	0.05	0.6	GGDP(-2)
0.005	13.95	0.003	0.04	Unemp
0.03	5.52	0.003	0.01	Unemp(-1)
0.31	-1.32	0.003	-0.004	Unemp(-2)
0.07	3.56	0.003	0.01	Unemp(-3)
0.004	-14.71	0.24	-3.65	Def
0.01	-7.89	0.46	-3.68	Def(-1)
0.008	-10.59	0.22	-2.43	Def(-2)
0.09	-3.02	0.33	-1	Def(-3)
0.01	-8.87	0.03	-0.31	TOT
0.04	-4.5	0.06	-0.28	TOT(-1)
0.03	-5.55	0.05	-0.31	TOT(-2)
0.02	6.86	0.03	0.26	TOT(-3)
0.21	1.78	0.30	0.54	HDI
0.04	-4.49	0.67	-3.02	Gini
0.20	-1.83	0.07	-0.13	Dum
0.02	6.86	0.38	2.64	C

آماره جاک-برا: ۱/۴۰ (۰/۴۹)

آماره بروچ-گادفری آزمون بیشترین

راست‌نمایی: ۱/۱۰ (۰/۴۸)

آماره بروچ-پاگان-گادفری: ۰/۹۷ (۰/۶۲)

$\bar{R}^2=۰/۹۹$

$F=۳۲۹/۶۴(۰/۰۰۳)$

منبع: نتایج پژوهش

Source: Research Result

همان‌گونه که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد، در کوتاه‌مدت باز بودن اقتصادی به علت افزایش بیکاری ناشی از تعدیل کوتاه‌مدت، اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد. این اثر با گذشت زمان به اثر مثبت تغییر می‌کند. زیرا رشد اقتصادی ناشی از بازبودن اقتصاد به دلیل ورود فناوری، افزایش

بهره‌وری، تخصیص کارا تر منابع و ترویج نوآوری منجر به بهبود وضعیت فقرا شده است. ضریب مثبت رشد تولید ناخالص داخلی نیز مؤید همین مطلب است. هم‌چنین، از آنجا که عمدتاً صادرات غیرنفتی ایران شامل چهار گروه آجیل و خشکبار، فرش و کفپوش، صنایع غذایی و سبزیجات است و فقرا عمدتاً در تولید بخش کشاورزی فعال هستند لذا، آزادسازی اقتصاد منجر به بهبود وضعیت فقرا شده است. تأثیر متغیر نرخ بیکاری بر رشد به نفع فقیر افزایشی است. به عبارت دیگر، با کاهش نرخ بیکاری یا افزایش اشتغال، سهم فقرا از رشد اقتصادی نسبت به اغنیا کاهش می‌یابد. زیرا در کشورهای در حال توسعه، در اثر باز شدن اقتصاد، قیمت مواد اولیه و واسطه‌ای تولید در بخش صنعت و کشاورزی کاهش می‌یابد. لذا، تقاضا برای نیروی کار ماهر و ناماهر افزایش می‌یابد. حال با توجه به مقدار افزایش درآمد و کاهش نابرابری برای افراد فقیر نسبت به غیرفقیر، رشد به نفع فقیر می‌تواند کاهش یا افزایش یابد. با توجه به نتایج الگو می‌توان ادعا کرد که در ایران، منافع رشد ناشی از باز شدن اقتصاد بیش‌تر به نفع اغنیا خواهد بود. کسری بودجه دولت به دلیل عدم توانایی دولت در تغییر سیستم مالیاتی، منجر به افزایش حجم نقدینگی و کاهش مخارج اجتماعی شده است که در هر دو حالت، منافع فقرا از رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. نرخ مبادله تجاری که مبین اثرات دنیای خارج بر رشد به نفع فقیر است، اثر کاهشی بر منافع فقرا از رشد دارد. باز بودن اقتصاد، احتمال ابتلا به شوک‌های خارجی را افزایش داده و نرخ مبادله خارجی با انتقال این شوک‌ها از راه مکانیزم قیمت، منجر به کاهش رشد به نفع فقیر شده است. شاخص توسعه انسانی اثر مثبت بر رشد به نفع فقیر دارد زیرا انتظار داریم با افزایش سال‌های آموزش و سطح بهداشت، توانمندی فقرا افزایش یافته و رشد به نفع فقیر تحقق یابد، هرچند ضریب این متغیر معنادار نیست. ضریب جینی مطابق انتظار اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد زیرا هر چه نابرابری بیش‌تر باشد، سهم کم‌تری از رشد اقتصادی نصیب فقرا می‌شود. سال‌های جنگ نیز اثر منفی و البته، غیرمعنادار بر رشد به نفع فقیر دارد.

پیش از برآورد ضرایب بلندمدت و الگوی تصحیح خطا، آزمون‌های تشخیصی برای حصول اطمینان از صحت اعتبار الگو انجام گرفته است. نتایج آزمون‌های تشخیصی از جمله نرمال بودن، خودهمبستگی و واریانس همسانی در انتهای جدول بالا ارائه شده که نشان از خوبی برازش الگو دارد.

نتایج تخمین ضرایب بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد به نفع فقیر در جدول زیر ارائه شده است. همان‌گونه که مشخص است متغیر باز بودن اقتصاد در بلندمدت اثر مثبت بر رشد به نفع فقیر دارد. مقایسه ضرایب کوتاه و بلند مدت نشان می‌دهد که اثر منفی تعدیل کوتاه‌مدت در بلندمدت

به واسطه اثر رشد اقتصادی به اثر مثبت تبدیل شده است.

جدول ۵- نتایج تخمین ضرایب بلندمدت.

Table 5- Long-Run Estimation Results

Prob	آماره t- t-statistics	خطای استاندارد Standard Error	ضریب Coefficient	نام متغیر Variable
0.07	3.37	0.01	0.04	Open
0.004	15.08	0.04	0.70	GGDP
0.006	12.64	0.002	0.029	Uemp
0.002	-18.86	0.11	-2.24	Def
0.01	-9.89	0.02	-0.24	TOT
0.04	-4.49	0.67	-3.02	Gini
0.21	1.78	0.30	0.54	HDI
0.20	-1.83	0.07	-0.13	Dum

منبع: نتایج پژوهش

Source: Research Result

نتایج الگوی تصحیح خطا نیز در جدول ۶ آورده شده است. همان گونه که در جدول مشاهده می شود ضریب تصحیح خطا منفی، معنادار و معادل ۰/۶۳ می باشد که نشان دهنده این است که در صورت وارد شدن شوک و انحراف از تعادل در هر دوره ۰/۶۳ از عدم تعادل دوره کوتاه مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می شود.

جدول ۶- نتایج الگوی تصحیح خطا.

Table 6- Error Correction Results

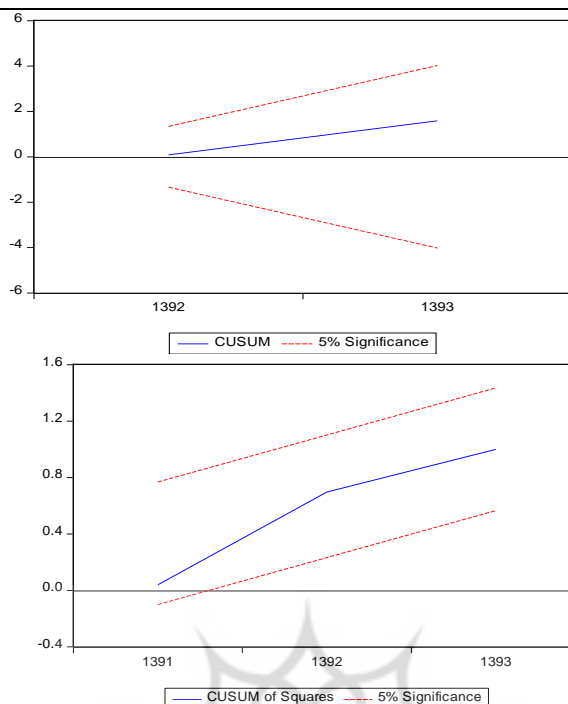
Prob	آماره t- t-statistics	خطای استاندارد Standard Error	ضریب Coefficient	نام متغیر Variable
0.001	24.60	0.03	0.9	$D(\varphi(-1))$
0.0006	40.02	0.02	1.17	$D(\varphi(-2))$
0.003	17.05	0.04	0.82	$D(\varphi(-3))$
0.002	-21.93	0.002	-0.06	D(Open)
0.001	-30.09	0.004	-0.14	D(Open(-1))
0.01	-9.34	0.003	-0.03	D(Open(-2))

0.002	22.06	0.03	0.76	D(GGDP)
0.001	-24.43	0.02	-0.60	D(GGDP(-1))
0.0004	48.36	0.001	0.04	D(Unemp)
0.01	-7.04	0.001	-0.009	D(Unemp(-1))
0.01	-9.44	0.001	-0.01	D(Unemp(-2))
0.0005	-44.24	0.08	-3.65	D(Def)
0.007	-11.65	0.12	-1.42	D(Def(-1))
0.005	13.49	0.07	1.008	D(Def(-2))
0.001	-22.70	0.01	-0.31	D(TOT)
0.03	5.18	0.01	0.05	D(TOT(-1))
0.0009	-34.11	0.007	-0.26	D(TOT(-2))
0.02	6.86	0.03	0.26	TOT(-3)
0.003	16.48	0.03	0.54	HDI
0.004	-15.25	0.19	-3.02	Gini
0.005	-13.98	0.009	-0.13	Dum
0.0005	-44.85	0.014	-0.63	ECM(-1)

منبع: نتایج پژوهش

Source: Research Result

هم‌چنین، جهت بررسی ثبات پارامترها در طول دوره مورد بررسی از آزمون CUSUM و CUSUMQ استفاده شده است. نتایج این آزمون که در نمودار زیر آورده شده است، ثبات پارامترها را تأیید می‌کند.



شکل ۲- نتایج آزمون پایداری متغیرها.

Fig. 2- Robustness test of Variable

منبع: نتایج پژوهش

Source: Research Result

جمع‌بندی و پیشنهادها

هدف این مطالعه بررسی اثر بازبودن اقتصاد بر به‌زیستی فقرا در کشور ایران در دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۸۲ است. لذا، ابتدا شاخصی با عنوان شاخص رشد به نفع فقیر به عنوان معیار سنجش به‌زیستی فقرا معرفی و سپس بر اساس روش Kakwani & Pernia (2000) برای دوره مورد نظر محاسبه شد. نتایج بدست آمده از محاسبه رشد به نفع فقیر حاکی از آن است که رشد اقتصادی در ایران در دوره مورد بررسی همواره به طور نسبتاً ضعیفی به نفع فقیر بوده است. با توجه به مبانی نظری موجود، باز بودن اقتصاد از راه شش کانال بر رشد به نفع فقیر اثرگذار است. با توجه به اثرات مثبت و منفی کانال‌های متفاوت، نمی‌توان به طور قطع، مشخص کرد که باز بودن اقتصاد به نفع فقرا است یا نه. به همین دلیل با استفاده از داده‌های سری زمانی متغیرهای رشد به نفع فقیر، بازبودن اقتصاد، رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، نرخ مبادله تجاری، نسبت کسری بودجه دولت به GDP، شاخص توسعه انسانی، ضریب جینی و متغیر مجازی مربوط به سال‌های جنگ و با

بکارگیری الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی به تخمین رابطه میان متغیرهای الگو پرداخته شده است. نتایج برآورد الگوی کوتاه و بلندمدت، نشان می‌دهد که باز بودن اقتصاد اگر چه در کوتاه‌مدت به دلیل افزایش بیکاری منجر به بدتر شدن وضعیت فقرا می‌شود، اما در بلندمدت به لحاظ ایجاد رشد اقتصادی ناشی از ورود فناوری، افزایش بهره‌وری، تخصیص کاراتر منابع و ترویج نوآوری، اثر مثبت بر به‌زیستی فقرا دارد. هم‌چنین، از آنجا که عمدتاً صادرات غیرنفتی ایران شامل چهار گروه آجیل و خشکبار، فرش و کفپوش، صنایع غذایی و سبزیجات است و فقرا عمدتاً در تولید بخش کشاورزی فعال هستند لذا، آزادسازی اقتصاد منجر به بهبود وضعیت فقرا شده است. ضریب رشد تولید ناخالص داخلی نیز هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت مثبت است. به بیان دیگر، با افزایش رشد تولید ناخالص داخلی، سهم فقرا از رشد اقتصادی بیش از اغنیا بوده است. افزایش اشتغال ناشی از باز بودن اقتصاد در بلندمدت منجر به کاهش رشد به نفع فقیر شده است. علت این امر این است که در غالب کشورهای در حال توسعه، باز شدن اقتصاد عمدتاً منجر به افزایش اشتغال برای افرادی می‌شود که مهارت خاصی دارند و می‌توانند به واسطه ورود فناوری، در بخش‌های صنعتی مشغول بکار شوند. لذا سهم فقرا که اغلب کارگران ساده یا غیرماهر هستند، از منافع رشد کم‌تر از اغنیا خواهد شد. کسری بودجه دولت نیز در دوره کوتاه و بلند مدت اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد زیرا باز شدن اقتصاد با کاهش درآمدهای دولت همراه شده و در نتیجه افزایش کسری بودجه منجر به کاهش مخارج اجتماعی که صرف بهبود توانمندی فقرا می‌شود، شده است. مقایسه ضرایب کسری بودجه در کوتاه مدت و بلندمدت نشان می‌دهد که اثر کوتاه مدت به مراتب بیش از اثر بلندمدت است. هم‌چنین، نرخ مبادله خارجی به واسطه انتقال شوک‌های خارجی از کانال قیمت، منجر به کاهش رشد به نفع فقیر شده است. شاخص توسعه انسانی که متغیری جایگزین برای هزینه‌های آموزش و بهداشت است، اثر مثبت بر رشد به نفع فقیر دارد، هرچند ضریب این متغیر معنادار نیست. ضریب جینی نیز اثر منفی بر رشد به نفع فقیر دارد زیرا هر چه نابرابری بیش‌تر باشد، سهم کمتری از رشد اقتصادی نصیب فقرا می‌شود. سال‌های جنگ نیز اثر منفی و البته غیرمعنادار بر رشد به نفع فقیر دارد. هم‌چنین، با تخمین الگوی تصحیح خطا، ضریب تصحیح خطا معادل ۰/۶۳- بدست آمده است که نشان دهنده سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت است.

با توجه به نتایج بالا، پیشنهاد می‌شود دولت سیاست برداشتن موانع تجارت آزاد و نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی را پیگیری کند. البته، لازمه موفقیت در این زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و نهادهای متناسب است. برای مثال، می‌توان به افزایش حمایت‌های اجتماعی برای اقشاری که ممکن است در اثر آزادسازی در کوتاه مدت متضرر شوند، هم‌چنین، تعیین و تقویت مزیت‌های نسبی

کشور در زمینه‌های گوناگون، اشاره کرد. افزون بر این، ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی و انجام اقدامات لازم جهت رفع تحریم‌های موجود می‌تواند زمینه لازم برای باز بودن بیش‌تر اقتصاد را فراهم کرده و افزایش منافع افراد فقیر را به دنبال داشته باشد. افزون بر این، تسهیل فضای کسب‌وکار در بخش تولید و تسهیل فضای تجاری و گمرکی از راه‌های گوناگون از جمله هماهنگی میان دستگاه‌های متولی امر تجارت در کشور می‌تواند گامی مؤثر در راستای بهبود وضعیت باز بودن اقتصادی کشور و منافع فقرا باشد.

References

- Ades, A. & Di Tela, R. (1999). Rents, Competition, and Corruption. *American Economic Review*, 89(4): 982-993.
- Agénor, P. R. (2002). Macroeconomic Adjustment and the Poor: Analytical Issues and Cross-Country Evidence. Washington DC: The World Bank.
- Bagheri, F. & Kavand, H. (2008). Economic Growth Effect on Poverty and Inequality in Iran (1996-2005). *Journal of Social Welfare*, 7(28):173-190. (In Persian)
- Bannister, G. J. & Thugge, K. (2001). International Trade and Poverty Alleviation. Working Paper 54/2001. Washington DC: International Monetary Fund.
- Berg, A. & Krueger, A. (2003). Trade, Growth, and Poverty: A selective survey. Working Paper 30/2003. Washington DC: International Monetary Fund.
- Dollar, D. & Kraay, A. (2000). Growth is Good for the Poor. *World Bank*, Development Research Group.
- Glewwe, P. & Hall, G. (1998). Are Some Groups More Vulnerable To Macroeconomic Shocks Than Others? Hypothesis Tests Based on Panel Data From Peru. *Journal of Development Economics*, 56(1): 181-206.
- Goldberg, P. & Pavcnik, N. (2004). Trade, inequality, and poverty: What do we know? Evidence from recent trade liberalization episodes in developing countries. Working Paper 10593. NBER.
- Grossman, G. M. & Helpman, E. (1994). Endogenous Innovation in the Theory of Growth. *The Journal of Economic Perspectives*, 8(1): 23-44.
- Gugerty, M. K. & Roemer, M. (1997). Does Economic Growth Reduce Poverty? CAER II Discussion Paper 50. Harvard Institute for International Development.
- Kakwani, N. & Pernia, E. M. (2000). What is Pro Poor Growth? *Asian Development Review*, 18: 1-16.
- Mahmoudi, V. (2004). Devising, A. new Methodology for poverty change decomposition into Growth Effect and Redistributive Effect. *Journal of Economic Research*, 63: 165-186. (In Persian)
- Maier, R. (2004). Macroeconomic Policy for Pro-poor Growth. Ph.D. Thesis in Ludwig-Maximilians University, Munich.

- McCulloch, N. Robson, M. & Boulch, B. (2000). Growth, Inequality and Poverty in Mauritania: 1987-1996. Sussex: Institute of Development Studies. (IDS Working Paper.)
- McCulloch, N. Winters, A. L. & Cirera, X. (2001). Trade liberalization and Poverty: A Handbook. Centre for Economic Policy Research. London.
- Menezes, F. N. & Vasconcellos, L. (2004). Has Economic Growth Been Pro Poor in Brazil? Why? OPG Working Program. GTZ Commissioned Study.
- Pesaran, M. H., Shin, Y., (1995). An Autoregressive Distributed Lag Modelling Approach to Cointegration Analysis," Cambridge Working Papers in Economics 9514, Faculty of Economics, University of Cambridge.
- Pesaran, M. H. Shin, Y. & Smith, R.J. (2001). Bounds testing approaches to the analysis of level relationships. *Journal of Applied Econometrics*. 16 (3): 289-326.
- Petkov, B. (2008). The Labor Market and Output in the UK– does Okun’s Law Still Stand? Discussion Papers: Bagarska Narodna Banka, 69.
- Pirae, K. (2003). Does Economic Growth Help the Poor People? Evidence from Iran in the First Five-Year Plan. *Iranian Economic Review*, 9: 85-99.
- Pirae, K. & Ghana’atian, A. (2006). Economic Growth Impact on Poverty and Inequality in Iran: Pro Poor Growth index Measurement. *Journal of Economic Research in Iran*, 8(29): 113-141. (In Persian)
- Ravallion, M. & Datt, G. (1999). When is growth pro-poor. Evidence from the Diverse Experiences of India’s States. Policy Research Working Papers. World Bank. Wps. 2263.
- Ravallion, M. & Chen, S. (2003). Measuring Pro-poor Growth. *Economic Letters*.78(1): 93–99.
- Timmer, P. (2004). The road to pro-poor growth: the Indonesian experience in regional perspective. *Bulletin of Indonesian Economic Studies, Taylor & Francis Journals*, 40(2): 177-207.
- Whitfield, L. (2008). Pro-Poor Growth: a review of contemporary debates. Elites, Production and Poverty research program.
- Winters, L. A. McCulloch, N. & McKay, A. (2004). Trade Liberalization and Poverty: The Evidence So Far. *Journal of Economic Literature*, XLII: 72-115.